

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## تغییر قدرت در افغانستان، جنگ ناخواسته و هراس جامعه جهانی احیای اعتماد از دست رفته و بحران مدیریت در کشور جاده پر خم و پیچی که منجر به فروپاشی شد

نباید مصروف تصفیه حساب رهبر ویا مکتب گردید  
شهروندان کشور و سنجایای آنها را باید شناخت  
از خود بیگانگی و بدیگران وابسته بودن  
یک‌دهه انجماد فکری چه ببار آورد؟

در زبان فرانسوی، مفهوم قدرت با دو واژه *pouvoir* و *puissance* بیان میشود. مفهوم قدرت در واژه *pouvoir* را معادل علم سیاست می‌پندارند که خودبه‌جنبه داخلی سیاست اشاره دارد. قدرت از طریق جریان‌های سیاسی جابجا میگردد. در تعریف قدرت، توانمندی برای اقدام یا نابودی ملاک قرار داده می‌شود. وقتی افراد قدرت خود را در رابطه با دیگران اعمال میکنند، مفهوم واقعی سیاست شکل می‌گیرد. راسل قدرت را نوعی توانمندی تعریف مینماید که توانایی تأثیرات مورد نظر را داشته باشد که بدین ترتیب، قدرت مفهوم کمی پیدا میکند. در تعریف هالیستی قدرت نیازمند اقدام است. اقدامی که بازیگر الف نسبت به بازیگر ب دنبال مینماید تا بازیگر ب روش خاصی که در تطابق با آرزوهای بازیگر الف است رادریش گیرد. ارگانسکی قدرت را در دو قالب مثبت و منفی تعریف می‌کند؛ قدرت مثبت توانایی وادار کردن با اقدام خاصی است و قدرت منفی بازداشتن از اقدام نامطلوب. بنظر بسیار یها، قدرت توانایی برتری یافتن در تعارضات و غلبه بر موانع است. عده دیگر نیز قدرت را مستلزم نفوذ می‌دانند و مدعی اند که دو تاکتیک تهدید و مجازات و وعده و وعید، از جمله مهمترین تکنیک‌های قدرت محسوب می‌گردد. بر بنیاد برخی از دیدگاه‌ها، قدرت مجموعه‌ی بی‌از عوامل مادی و معنوی است که موجب باطاعت در آوردن فرد یا گروه توسط فرد یا گروه دیگر میگردد. قدرت بگونه زیردسته بندی می‌گردد: قدرت و نفوذ، قدرت و زور، قدرت مشروع و قدرت غیر مشروع و قدرت واقع.

در امتداد ماه اسد سال پسین، در کشور عزیز ما افغانستان واقیعت‌هایی تکوین پذیرفت که قبل از همه، شبیه اتفاق و حادثه محلی و داخلی کشور ما پنداشته شد. بایست یادآور شد که در مدت زمان نسبتاً کوتاهی، "طالب"‌ها بمتابۀ تنها قدرت حاکم در کشور مبدل گردیده و نیروهای ائتلاف غربی نیز بسادگی، واقیعت تکوین یافته را پذیرفته و اما در فضای پلاتکلیفی، اراضی و سرزمین کشور عزیز ما را ترک نمودند. از آن زمان تاکنون، تغییراتی در حیات سیاسی کشور نیز رخ داد. با وجود آنکه جهان از لغزش کشور ما به وضعیت و شرایط قرون وسطایی خوش‌شان نمی‌آید، اما جامعه جهانی بمفهوم وسیع کلمه، دست‌هایش را بسته است. این واقیعت را باید پذیرفت که بمنظور جلوگیری از مرگ هزاران شهروند افغان از گرسنگی و بیماری، باید کمک‌ها و معاونت‌های بشردوستانه به کشور عزیز ما ارائه گردیده، تمامی دارایی‌های کشور از بانک‌های خارجی باید آزاد گردیده و در اختیار کشور قرار داده شود.

اکنون، بیشتر از هشت ماه میشود که "طالب"‌ها بمتابۀ هدایت‌کننده‌های افغانستان در مسند قدرت قرار دارند. قبل از آن، واشنگتن مطمئن بود که دولت برهبری اشرف غنی پس از خروج نظامیان خارجی از اراضی افغانستان در تاریخ تعیین شده (۱۱ ماه سپتامبر)، ممکن مدت شش ماه دیگر نیز در قدرت باقی مانده و بکارشان

همچنان ادامه دهند. در امتداد ماه اسد که کلان شهرها یکی پس از دیگری و بدون درگیری و مقاومت، به جنگجویان تسلیم داده شد. مدت زمان و تاریخ فراخواندن نظامیان خارجی از سرزمین و اراضی کشور ما به سه ماه تقلیل حاصل نمود.

در مورد وقایع بعدی در کشور، این واقعیت آشکار گردید که حتی بر بنیاد خوشبینانه ترین تخمین ها، شهروندان کشور ما تنها میتوانند با تحمل قربانی هایی، امر اجتناب ناپذیر ذکر شده را به تأخیر بیندازند. اینکه آیا فرصتی وجود داشت که داستان مورد نظر بر بنیاد سناریوی دیگری شکل گیرد، در نوع خود پرسش و سؤال فرضی تلقی میگردد. این بگونه منحصر بفردی، دقیقن همان کاریست که هم ایالات متحده و هم روسیه بمنظور انجام عملی آن تلاش ورزیدند تا اشرف غنی را متقاعد نمایند که امتیاز داده و یک دولت انتقالی تشکیل نماید. اما نامبرده از استعفاى داوطلبانه قدرت در صورت نبود هیچ نوع تضمینی برای آینده، ابا ورزید، با احتمال اغلب که بسیاری از سیاستمداران بجای نامبرده، همین کار را می کردند.

در مقطع زمانی تغییر سریع قدرت، خبرنگاران و روزنامه نویسان از سیاستمداران و کارشناسان امور، پرسش های مشابهی باین شرح را مطرح می نمودند که آیا می توان انتظار داشت که رژیم جدید "طالب" ها از آنچه در امتداد سال های نخست حاکمیت شان در کشور بانجام آنها مبادرت می ورزیدند، از تکرار مجدد آنها، بگونه نمونه در عرصه مربوط بحقوق زنان کشور، خودداری بعمل آورند؟ آیا "طالب" ها متقاعد خواهند گردید تا قدرت را با دیگران تقسیم نمایند؟ آیا می توان بر وعده های شان در عرصه مبارزه با مواد مخدر در کشور اعتماد نمود و یا بر عکس آن در تجارت مواد یاد شده دینفع خواهند بود؟ نحوه برخورد و چگونگی عملکرد و اقدامات آنها علیه "داعش" و "القاعده" بر چه بنیادی استوار خواهد بود. آیا آنها ("داعش" و "القاعده") وسوسه نخواهند شد تا با حفظ دیدگاه های شان، بسادگی در سیستم دولت جدید جذب شوند؟ آیا آنها در قبال برخورد با قضایا و نحوه موضعگیری با شهروندان کشور بیرحم تر از "طالب" ها نخواهند بود؟ و اما در نهایت امر، آیا "طالب" ها قادر بر رهبری و هدایت شایسته و پایسته دستگاه اداره مدرن دولتی خواهند بود؟ دولتی که در آن از کمپیوترهای پیشرفته کار گرفته شده و بیشترین امور مربوط، بگونه الکترونیکی انجام می پذیرد. آیا با تداوم حاکمیت آنها در منازل رهائشی شهروندان کشور، آب و برق همیشگی موجود بوده و در بیمارستان ها و ادویه فروشی ها، ادویه و موارد بهداشتی برای شهروندان کشور موجود و قابل دسترسی باشد؟

برخی از سیاستمداران غرب، بمنظور طفره رفتن از پذیرش شکست دیپلوماتیک شان، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، در مورد تشکیل یک دولت فراگیر در کشور ما سخن می گویند، اما در کنار این همه، در صد آن می باشند تا بر عملکردهای شان در کشور ما پرده افکنند. در امتداد ماه سنبله سال پار، کابینه "طالب" ها متشکل از پیشکسوتان تحریک یاد شده در کابل تشکیل گردیده و نام دولت موقت را بر آن نهاده و قول دادند که بعدها به تشکیل و ایجاد دولت و حاکمیت جدیدی مبادرت خواهند ورزید، اما اگر حتما یکی از "اصلاح طلبان" طالب ها هم چنین تمایلی داشته باشد، انجام عملی چنین امری غیر ممکن بنظر می رسد، زیرا جناح رادیکال و محافظه کار نیز در مجموعه تحریک بیاد شده نیز وجود دارد. در عین حال، این احتمال باید کنار گذاشته شود که دولت جدید در کشورشکلی از حاکمیت جمهوری را حفظ نموده و یا حداقل هم اگر شده، برخی از مقام ها از جمله کمیسیون شکایت های انتخاباتی را نه انتسابی بلکه انتخابی اعلام نمایند. اما بر بنیاد اظهارات معاون سخنگوی "طالب" ها، در وضعیت و شرایط کنونی "بموجودیت چنین ارگانی اصلن ضرورت احساس نموده و اما در صورت ضرورت، می تواند در آینده مجددن احیا گردد."

اظهارات نامبرده ممکن درست باشد، اما با احتمال اغلب، این فقط و فقط بهانه ایست بمنظور طفره رفتن از اصل قضایای موجود، اما بگمان اکثریت ناظران امور، رژیم جدید در کشور ما، بیشتر به یک سلطنت مستبد تیب خاورمیانه بی شبیه خواهد بود که در آن، قدرت از طریق دسیسه های درون نخبگانی توزیع و تقسیم می گردد.

اما "طالب" ها عملیات هایی را علیه "داعش" سازماندهی نموده و با اجرای عملی آنها مبادرت می ورزند، ولی در مقابل، پاسخ هایی را در قالب حملاتی از جمله در کابل دریافت می نمایند. بگونه نمونه، اگر کسی باور داشته باشد که "طالب" ها در جهت دستیابی به هدف از بین بردن تروریست ها سعی می نمایند، باید باین واقعیت نیز معترف باشند که منابع و امکانات آنها بوضوح کامل برای این کار اصلن کافی و بسنده نمی باشد.

بربنیاد اطلاعات ارائه شده توسط فرماندهی مرکزی قوت های مسلح ایالات متحده، پس از فراخواندن نظا میان خارجی از افغانستان، به تعداد کمی جنگجویان "القاعده" افزوده شده و "داعش" نیز احیا گردید. این درحالی و بدلیل بوجود آمدن وضعیت منحصر بفردی که در نتیجه تصرف شهرها و محلات در امتداد عملیات تابستانی "طالب" ها بود که تمامی زندانی ها و بازداشت شده های موجود در توقیف خانه ها را بگونه بی رویه رها نمودند. مطابق اظهارات نظامیان بلند پایه ناتو، هر دو دسته بندی یاد شده ("القاعده" و "داعش") چه در داخل کشور و چه در خارج از آن به سر بازگیری و جلب و جذب جنگجویان مبادرت ورزیدند. مسأله دیگری که حل و فصل آن در دستور کار "طالب" ها باید قرار داده شود، از جمله یکی هم مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر در کشور می باشد. اما نباید فراموش خاطر ما شود که در کنار وضعیت متشنج سیاسی کشور، معضلات دیگری نیز دامنگیر میهن عزیز ما گردیده که از جمله یکی هم موجودیت خشکسالی را می توان نام برد که از ادامه آن در امتداد سال روان نیز پیشبینی هایی بعمل می آید. اما بایست متذکر گردید که وعده های "طالب" ها در مورد حفظ حقوق زنانی که در حاکمیت قبلی در کشور آزادانه بآموزش می پرداختند و بکار و فعالیت در دستگاه اداره دولت و برخی از آنها حتی در مقام های ارشد دولتی مشغول و مصروف بودند، با نظر داشت فضای حاکم بر جامعه ما، بگونه ناسازگار تلقی می گردد. دریگانه فرمانی که به موضوع یاد شده اختصاص داده شده، از حق تحصیل و از حق کار برای زنان کشور، حتی ذکری هم بعمل نیامده، بلکه مسایلی در مورد روابط و مناسبات خانوادگی تنظیم گردیده است. موارد ذکر شده در سند یاد شده بگونه آشکاری باز بازگویی این امر می باشد که موارد یاد شده بر بنیاد شریعت که "طالب" ها آنرا بمثابة مبنای نظام حقوقی خویش می پندارند، تثبیت گردیده است. اما در کشور ما، جایی که سنت های ظالمانه محلی گاهی بر هنجارهای دینی ارجحیت داده شده و گهگاهی هم نقض می گردد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که پولیس اداره امر بالمعروف و نهی از منکر "طالب" ها بگونه سیستماتیک کار نموده اما بگونه غیر قابل تصویری سختگیری می نماید. بگونه نمونه، بدون دلایل رسمی، با وجود آنکه بلافاصله پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، نماینده ای از آنها با یک خبرنگار زن در کانال تلویزیونی طلوع نیوز مصاحبه زنده ای انجام داد، با آنها، احتمال حضور زنان در تلویزیون بسیار کم رنگ شده است. آخرین، وزارتی با اسم بسیار غیر معمول "امر بالمعروف و نهی از منکر"، تصمیم اتخاذ نمود که پس از این زنان در هیچ برنامه سرگرمی ها و یا سریال های تلویزیونی ظاهر نگردیده و تصویر آنها نمایش گذاشته نشود. بخاطر می آوریم که در امتداد مدت زمانی نخستین حاکمیت "طالب" ها، پخش نشرات تلویزیونی در کشور، اصولن ممنوع شده بود. وضعیت تحصیل دختران کشور نیز چندان چنگی بدل نمی زد. در اغلب ولایت های کشور، دختران اجازه تحصیل و رفتن به مکاتب را نداشته و چنین اقامه دعوا میگردید که هنوز شرایط و وضعیت منا سب جهت تحصیل دختران و رفتن آنها به مکاتب اصلن مساعد و مهیا نگردیده است. بگفته آنها، اما زمان ایجاد و فراهم آوری آنها موارد به مقامات محلی و چگونگی تصورات آنها درباره اولویت این کار بستگی دارد.

اما موفقیت اقتصاد کشور تحت حاکمیت "طالب" ها را میتوان با پویایی ارز ملی کشور ارزیابی نمود که در امتد ادهفته پسین سال روان، به پایین ترین سطح تنزیل نموده که پس از آن، هرگونه معامله ارزی در کشور ممنوع گردید. با در نظر داشت این واقعیت که دارایی های دولت قبلی در بانک های خارجی مسدود گردیده بود، با وضعیت اینچنینی، ارزش آنها نداشت تا در مورد یاد شده، انتظار دیگری را حتی قابل تصور پنداشت. اما با وجود اینهمه، بنظر می رسد که وعده "طالب" ها دزمینه، از قوه بفعل مبدل گردد. همچنان قابل یاددهانی پنداشته می شود که با تغییر قدرت در کشور (حداقل تاکنون)، بایجاد مشکلات و معضلاتی در کشورهای آسیای میانه، مبادرت بعمل نیامده است. آنها مجبور نگردیدند تا حتی جلو سیل پناهجویان موانعی ایجاد نمایند. در اینمورد نباید فراموش نمود که آخرین حدود ۳۰۰ هزارتن از شهروندان کشور ما بایران مهاجر شدند، اما متأسفانه که بویژه در ایام پسین، برخورد و موضعگیری حاکمان ایران در قبال پناهجویان کشور ما نهایت خصمانه بوده که در نتیجه چنین موضعگیری ها، عده بیشماری از پناهجویان کشور ما را مجدداً مجبور به عودت نموده و بافغانستان فرستادند که در اینمورد واکنش های شهروندان کشور را سبب گردیده و براه انداختن اجتماعات اعتراضی در مقابل قونسلگری ها و نمایندگی های دیپلوماتیک ایران در کشور ما را ساز ماندهی نمودند.

در امتداد مرزهای کشور عزیز ما افغانستان، گهگاهی حوادث و درگیری های مسلحانه ای بوقوع می پیوندد. مدتی قبل، تیراندازی هایی در مرز با کشور ایران نیز صورت گرفت. هردو جانب، یکدیگر را به نقض توافقات حاصله و مناسباً حسن همجواری متهم نمودند. اما حملات توپخانه ای نظامیان پاکستانی بسرزمین کشور ما، بویژه در مربوطات ولایت کنر کشور، موجی از احساسات ضد پاکستانی را در میهن ما برانگیخته و سبب بحث های جدی در مورد گردید. نظامیان پاکستانی ادعا می ورزند که امر مبارزه علیه گروه تروریستی "تحریک طالب های پاکستان" را که بادعای آنها پس از اجرای عملیات مسلحانه در اراضی پاکستان، مجدداً به مخفی گاهای شان در افغانستان پناه می برند جزیی از اولویت های کاری شان می پندارند. اگر اینگونه شایعات تبدیل بیک سیستم گردیده و منجر به درگیری های تمام عیاری میان "طالب" ها و اسلام آباد شوند (اسلام آبادی که مدت زمان طولانی حامی اصلی آنها محسوب می گردید)، در چنین حالت پیش آمده و یا در شرف تکوین، بگونه جدی باید در مورد چگونگی وضعیت در امتداد مرزهای افغانستان - پاکستان صحبت نمود، چه، وضع در امتداد مرزهای یادشده در امتداد چندین دهه متشنج بوده و شاهد درگیری های مسلحانه ای نیز در مناطقی از مرزهای یادشده بوده ایم.

می توان چنین اظهار نظر نمود که "طالب" ها و جهان خارج، ممکن در نهایت امر باین نتیجه برسند که بمنظور تحقق ایده های شان، یکدیگر را راحت گذاشته و بگونه اندکی در مورد استکاک و درگیری های بعدی بیاندیشند. اما در واقعیت امر، چنین نیست. حاکمیت جدید در کشور ما، مدت زمان زیادی بگونه مستقل و غیر وابسته باقی نخواهد ماند، چه، حل و فصل معضلات خشکسالی در کشور، مبارزه علیه بیماری های همه گیر و یا اما دگی برای زمستان های سرد و طاقت فرسا، همه و همه بگونه مستقیمی با ارائه معاونت ها و کمک های خارجی ارتباط دارد. در عمل، تقریباً تمامی دول کشورهای منطقه از قبیل روسیه، چین، ایران، ازبکستان، ترکمنستان، امارات متحده عربی و هند در امر فوق دخیل می باشند. کمک ها و معاونت های بیشتری از جانب واشنگتن نیز انتظار برده می شود. در ماه های پایانی سال پار، وزارت مالیه ایالات متحده در مورد طرحی بمنظور کمک با افغانستان از طریق سازمان های بشردوستانه را بدون در نظر داشت تعزیرات وضع شده در مورد "طالب" ها، برای شهروندان کشور ما رویدست گرفت. اما بایست خاطر نشان گردد که مسدود نمودن همه و یا بخشی از دارایی های کشور در بانک های خارجی، بیش از همه بر مشکلات موجود در کشور خواهد افزود.

بایست علاوه گردد که از نقطه نظر تنوریک، وابستگی کشور ما به کمک های بین المللی همچنان می تواند بمثابة اهرم فشاری مبدل گردد تا "طالب" ها را ناگزیر به بازگشایی مدارس دختران و پرهیز از اعمال مجازات های سنگین نماید. اما "طالب" ها قبل از سایرین، اولویت های بازیگران خارجی را درک نموده اند. دول کشورهای همجوار افغانستان و همچنان سایر کشورها از خطر قحطی در داخل قلمرو کشور ما و سیل پناهجویان در امتداد مرزهای کشور ما نگران می باشند. این بدان مفهوم تلقی می گردد که اقدامات نمایشی و وعده های میان تهی، احتمالاً بمنظور دریافت کمک کافی خواهد بود. این درحالیست که وضعیت اینچنینی و چگونگی مسیر حوادث بگونه ای که از آن تذکر بعمل آمد، بخودی خود، اصل توسعه واقعی کشور را بعقب خواهد افکند.

در این زمینه، مسأله برسمیت شناختن رژیم "طالب" ها بمثابة یک دولت قانونی که بر بنیاد آن، برخی از رهبران کشورها خواستار "راه حل تلفیقی" شده اند، چندان مهم بنظر نمی رسد، زیرا چنین شناختی، عمل مدت ها قبل اتفاق افتاده، هم واشنگتن و هم مسکو بگونه تلفیقی در روند یادشده مشارکت و همکاری بعمل آوردند.

یکشنبه ۲۸ ماه حمل سال ۱۴۰۱ خورشیدی